

مقدمه

«هویت اخلاقی» یکی از متغیرهای واسطه‌ای برای پرکردن خلأ بین استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی است که با استنتاج از نظریه‌های هویت و به‌ویژه نظریه «هویت اجتماعی» توسط پژوهشگران (بلاسی (Blasi)، ۱۹۸۳ و ۲۰۰۴؛ نیسن (Nisan)، ۲۰۰۴) پیشنهاد گردیده است. درک انگیزش اخلاقی با توجه به نقش خود در اخلاق، که غالباً «خود اخلاقی» یا «هویت اخلاقی» نامیده می‌شود، امکان‌پذیر است.

«هویت» خودپنداره فرد یا تعریف وی از خویشتن، و «هویت اخلاقی» بعدی از هویت با محوریت صفات اخلاقی فرد است. «هویت اخلاقی» علاقه فرد نسبت به بایدها و نبایدها و کنترل‌کننده تعارض بین خواسته‌های شخصی و تعهدات اجتماعی است (جانسون (Johnston) و همکاران، ۲۰۱۳). برخی دیگر «هویت اخلاقی» را مستلزم وحدت خود و نظام اخلاقی بر اساس احترام و توجه به حقوق و رفاه دیگران می‌دانند (هارت و اتکینز (Hart & Atkins)، ۲۰۰۴؛ موشمن (Moshman)، ۲۰۰۹).

بلاسی «هویت اخلاقی» را مجموعه‌ای از صفات اخلاقی می‌داند که در محتوا و اهمیت، از فردی به فرد دیگر متفاوت است و در واقع، نوعی سازوکار خودتنظیمی است که انگیزه رفتار اخلاقی می‌شود (بلاسی، ۱۹۸۴، ص ۱۳۰). در واقع، «هویت اخلاقی» را می‌توان جزئی از ساختار فردی تعریف کرد که بدون آن، استدلال اخلاقی الزاماً به رفتار اخلاقی نمی‌انجامد (آکینو و رید (Aquino & Reed)، ۲۰۰۲) و شامل دو بعد درونی‌سازی (میزان اهمیت یا محوریت صفات اخلاقی در خودپنداره) و نمادی کردن یا تحقق این صفات در رفتارهای فرد است. به عبارت دیگر، «هویت اخلاقی» سازوکار خودگردانی است که شاخص‌هایی برای رفتار فرد تعیین می‌کند و عامل انگیزش او در انجام اعمال اخلاقی به شمار می‌رود (مولدر و آکینو، ۲۰۱۳).

نیروی انگیزشی هویت اخلاقی به‌وسیله اصل «همسازی» یا «همسانی» این‌گونه تبیین می‌شود: هویت با ایجاد نیاز وفاداری به خود، به همسانی رفتار و هویت منجر می‌شود (رینولدز و سرانیک (Reynolds & Ceranic)، ۲۰۰۷). در رشد هویت اخلاقی، عوامل شخصی و بافتی دخالت دارند. در سطح شخصی، مهم‌ترین عوامل عبارتند از: شخصیت، رشد شناختی، نگرش‌ها، ارزش‌ها و خودپنداره، و تحول هویت. عوامل زمینه‌ای شامل خانواده، دوستان، مدرسه، و نهادهای مذهبی و اجتماعی می‌شود (হারدی (Hardy)، ۲۰۰۶). پنج عامل شناخت اخلاقی، خود ادراکی و احساسات اخلاقی، شخصیت، تأثیر خانواده، ارتباط با نهادهای اجتماعی و مذهبی نیز به عنوان عوامل ارتقادهنده هویت اخلاقی نوجوانان مطرح شده‌اند (لئونارد (Leonard)، ۲۰۱۰، ص ۲۸). مطابق الگوهای نظری موجود، «هویت» و

ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی – اسلامی نوجوانان

مهناز علی‌اکبری دهکردی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران

فرهاد شقاقی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اهر

زهرا مردانی ولدانی / دانشجوی دکتری و مربی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

مرضیه عزیزیان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

زهرا عاصمی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر به اعتباریابی و پایایی سنجی مقیاس محقق‌ساخته «هویت اخلاقی – اسلامی در دانش‌آموزان نوجوان» پرداخته است. ابتدا مخزنی ۱۵۰ سؤالی با توجه به فضایل اخلاقی، که به صورت مستقیم، آیه‌ای در قرآن کریم برایش آمده است تهیه و پس از احراز اعتبار صوری پرسش‌نامه توسط استادان، نمونه نهایی به‌منظور اجرا آماده شد. برای اجرا، ۷۰۰ تن از دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری «تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS و AMOS صورت گرفت. ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده در زیرمقیاس‌ها حاکی از پایایی مناسب مقیاس هویت اخلاقی – اسلامی نوجوانان است. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی سازه‌عاملی مقیاس، نشان داد که هفت عامل بیانگر ۴۹/۰۷ واریانس بودند. همچنین شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از برازش مناسب الگوی هویت اخلاقی – اسلامی است. با توجه به اینکه تمامی سؤالات مقیاس هویت اخلاقی مبتنی بر آیات شریف قرآن کریم است، ابزاری مناسب برای سنجش ویژگی‌های اخلاقی تأیید شده در حوزه اسلامی به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: روان‌سنجی، هویت اخلاقی – اسلامی، نوجوانان.

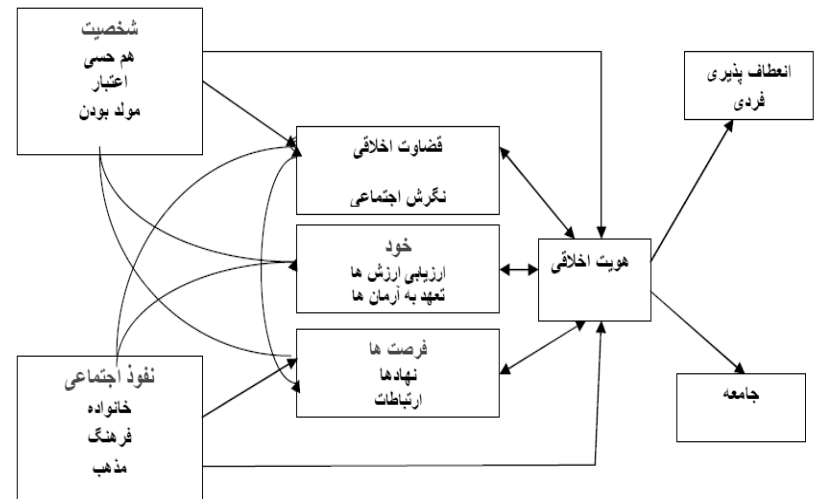
«اخلاق» ابتدا به صورت دو نظام مجزا در کودکی پدیدار می‌شوند. سپس در نوجوانی این دو نظام همگرا می‌شوند، به گونه‌ای که درک اخلاقی نوجوانان برای احساس هویت در آنان مهم می‌شود. همزمان با یکپارچگی فزاینده اخلاق و خود، هویت اخلاقی در نوجوانی و حتی در بزرگسالی رشد و توسعه می‌یابد (هاردی و کارلو (Hardy & Carlo)، ۲۰۱۱).

در پژوهش‌های هارت و اتکینز (۲۰۰۴)، و مک‌کلین (Maclean) و همکاران (۲۰۰۴)، آزمودنی‌های مذهبی در سنجش مستقیم هویت اخلاقی، عملکرد قابل توجهی داشتند. شاید به علت مواجهه بیشتر افراد مذهبی با مطالبات اخلاقی، مذهب زمینه تعمق یا تأمل بیشتر روی موضوعات اخلاقی را فراهم می‌سازد. واکر و پیتر (۱۹۹۸) با این استدلال که ارزش‌های اخلاقی شبیه صفاتی هستند که در یک انسان مذهبی متجلی می‌شوند، دینداری را زمینه‌ساز هویت اخلاقی می‌دانند. این فرضیه در پژوهش ویتل و همکاران (۲۰۰۹) تأیید شد. مطابق الگوی پیشنهادی هارت و اتکینز (۲۰۰۴) منابع دوربرد یا درازمدت (سمت چپ) و مجاور یا مبدایی در تکوین هویت اخلاقی نقش دارند (ص ۱۶۱). در این الگو، نقش دین در رشد و تحول هویت اخلاقی به دو صورت ممکن است:

الف. تأکید مذهب بر مباحث اخلاقی و سفارش به انجام رفتارهای اخلاقی بر اساس تبیین‌هایی غیر از قراردادهای اجتماعی یا منافع شخصی؛

ب. تحول قضاوت اخلاقی به واسطه تأمل دقیق در باب مسائل اخلاقی در بستری دینی.

شکل ۱. الگوی تکوین هویت اخلاقی (اقتباس از: هارت و اتکینز، ۲۰۰۴)



طبق دیدگاه اسلام، چگونگی اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان در کشورهایی مانند ایران، غالباً مبتنی بر سنن فرهنگی، دینی و اخلاق سنتی کلاسیک است و بیشتر مردم با وجود کمبودهای کوناگون، به اصول انتزاعی اخلاقی (مانند کمال‌جویی، عدالت، محبت، مروت و شجاعت) وفاداری نشان می‌دهند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴). همچنین جاودانگی خیر، فطرت اخلاقی انسان، کرامت ذاتی انسانی، عشق و عواطف انسانی و گرایش وجدانی به فضایل اخلاقی به مثابه مبانی رشد اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند که متأسفانه در دیدگاه‌های غربی شناختی، تحلیل روانی و رفتاری-اجتماعی، به این مبانی اخلاقی توجه نشده است.

اصولاً در اسلام، جنبه روان‌شناختی اخلاق مربوط است به «فطری بودن امور اخلاقی» یا حس اخلاقی و نیز «خلقیات یا ملکات نفسانی». انسان دارای فطرتی است که در جنبه عملی، او را به اعمالی فرامی‌خواند که سعادت او را تأمین کند. این مورد، همان بایدها و نبایدهایی است که از درون انسان برمی‌خیزد و حس اخلاقی او را تشکیل می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۴۶؛ ج ۱، ص ۵۳۵).

اما فطرت در صورتی می‌تواند ضامن سعادت شود که در مسیر اصلی خود قرار داشته باشد و برای این امر، به یک نظام تربیتی درست نیاز دارد تا انسان را با وجود اختیار، انتخاب و شرایط گوناگون برای رشد، به مسیر فطری و حقیقی خود راهنمایی کند. کسی صلاحیت طرح‌ریزی این ساختار را دارد که خود به وجودآورنده فطرت و خلقت باشد؛ زیرا او از نیازهای مخلوقاتش باخبر است و در نهایت، با ایجاد یک نظام دینی مبتنی بر فطرت، بشر را به کمال مطلوب می‌رساند.

اسلام بهتر از هر دین دیگری، سعادت زندگی بشر را از راه قرآن مجید تأمین و تضمین می‌کند؛ لیکن آنچه اسلام را از سایر ادیان متمایز می‌کند عبارت است از: رویکرد خاص اسلام در زمینه تربیت؛ به این صورت که اساس تربیتش بر پایه توحید خالص قرار دارد که نتیجه آن، هم عبودیت و بندگی خالص است و هم ارائه یک ضامن اجرا برای قوانین اخلاق و هم ارائه یک برنامه دقیق و متقن. پس اخلاق واقعی باید انسان را به صفات الهی نایل کند و آن بدون دین ممکن نیست. به عبارت دیگر، دین بهترین پرورش‌دهنده اخلاق به منزله یکی از انگیزه‌های فطری و نقشه راه رسیدن به هویت اخلاقی است.

انسان در جریان عمل به باید و نبایدها و گام نهادن در مسیر اخلاق، واجد خلقیات و ملکات نفسانی خاصی می‌گردد. نفس انسان در این حالت، به تدریج به صفات رسوخ یافته‌ای مزین می‌شود. پس اخلاق مجموع منش‌ها و حالات روحی یک انسان است. این معنا از اخلاق نشانگر

مرتبه‌ای از وجود آدمی است که همان ملکات نفسانی است. این ملکات همواره منشأ صدور افعال خاصی است و ظهور و بروز آن رفتارهای خاص راه شناخت و کشف آن ملکات است (افشارکرمانی، ۱۳۹۰).

این شاکله‌های خلقی، که شامل ویژگی‌ها و عادات منش و روانی فردی است، در درون انسان جاگیر شده و در موقع مناسب، در درون انسان جلوه می‌کند و او را به اراده عمل وادار می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۹). به عبارت دیگر، «خلق» اعتقاد به خوب و بی‌مانع بودن فعل است که وقتی در نفس ثبوت و استمرار یافت منشأ اراده به فعل می‌شود. به معنای دیگر، وقتی برای انسان صفت درونی شد «خلق» نامیده می‌شود (همان، ص ۱۱۵). با توجه به تعاریف «خلق» می‌توان گفت: «خلق» حلقه واسط میان عقیده یا اعتقاد (صورت فکری که انسان به آن ایمان و تصدیق دارد) و عمل (مجموعه‌ای از حرکات و سکنات که انسان با شعور و اراده برای رسیدن به یکی از مقاصد خود انجام می‌دهد) است.

همچنین شناخت فضایل اخلاقی - محمول‌ها و موضوعات اخلاقی - (محمول‌ها مانند خوب و بد، حسن و قبح و موضوعاتی مانند صداقت، امانت، خیرخواهی، وفای به عهد و عدالت) لازمه تحقق فعل اخلاقی است؛ زیرا در موقعیت‌های اخلاقی، به کمک آنها قادر به شناخت مصادیق خواهیم بود. بدون این آگاهی، فعل به صورت یک فعالیت تصادفی غیر ارادی در خواهد آمد (حسنی، ۱۳۸۳). آدمی زمانی هنجار و ارزشی را می‌پذیرد که این اعتبارها از یک‌سو، با نیازها و خواسته‌های فرد و اجتماع تناسب داشته باشد، و از سوی دیگر، نتایجش این نیازها را برطرف سازد. ذهن در تماس با نیازها و خواسته‌ها و با عاریت گرفتن مفاهیم حقیقی و اعتباری، احکام و مفاهیم عملی را تولید می‌کند که قادر است براساس آن، فرد را به صلاح و کمال دعوت نماید و به خوبی و بدی امور حکم نماید (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۱۴). به این دستگاه شناختی «عقل عملی» گفته می‌شود.

بررسی متون پژوهشی نشان داد که مقیاس‌های خارجی هویت اخلاقی بر اساس نظریه‌های هویت اخلاقی - که ابزارهایی برای تبیین رابطه بین آنچه افراد فکر می‌کنند باید انجام دهند و رفتارهای واقعی است - ساخته شده‌اند. از این دیدگاه، همراه با رشد شناخت خود و هویت خود، فرد به تدریج، تصویری از خود در میان دیگران و در ارتباط با دیگران پیدا می‌کند که این تصور یکی از پایه‌های شکل‌دهنده مناسبات اجتماعی و اخلاقی او با دیگران است (سانتروک (santrock)، ۲۰۰۱، ص ۴۶) و فشارهای

اجتماعی تعیین‌کننده صفات نهفته در این ساختار اخلاقی - اجتماعی است (بلاک (Black)، ۲۰۱۲، ص ۴۲)؛ مانند مقیاس ۱۰ گویه‌ای «هویت اخلاقی» (MIS) که میزان شمول ارزش‌های اخلاقی در خودپنداره افراد را در قالب دو مؤلفه «هویت اخلاقی درونی» (نگرش افراد نسبت به خودشان از لحاظ دارا بودن صفات بنیادین هویت اخلاقی) و هویت اخلاقی نمادین (شامل صفاتی که رفتار فرد را در ارتباط با دیگران منعکس می‌کند یا خود اخلاقی با استناد به گروه‌های اجتماعی و انگاره بیرونی) ارزیابی می‌کند (اکینو و همکاران، ۲۰۰۹).

اینکه «دارای این صفات (مراقب، دلسوز، عادل، صمیمی، بخشنده، سخت‌کوش، مفید، صادق و مهربان) باشم، احساس خوبی به من می‌دهد»، نمونه‌ای از گویه «هویت اخلاقی درونی» و «انواع کتاب‌ها و مجلاتی را که می‌خوانم، مرا به‌عنوان دارنده این صفات معرفی می‌کند»، از گویه‌های «هویت اخلاقی نمادین» است (آکینو و رید، ۲۰۰۲). همچنین مقیاس ۱۸ گویه‌ای «کمال» (Integrity Scale) توسط شلنگر در سال ۲۰۰۸ برای سنجش میزان تعهد افراد به اصول اخلاقی (مانند عدالت، انصاف و صداقت) و شاخص رفتار اخلاقی در ارتباط با دیگران، ساخته شد (بلاک، ۲۰۱۲، ص ۴۱).

پژوهش حاضر می‌کوشد در مقایسه با دو مقیاس یاد شده، ابعاد بیشتری از هویت اخلاقی دینی - و نه صرفاً هویت اخلاقی - را با استناد به فضایل و صفات اخلاقی مطرح شده در آیات قرآن کریم بسنجد.

طبق نظریه هفت مرحله‌ای «تحول اخلاقی، ارزشی و دینی» (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰)، فرد در دوره نوجوانی به آغاز رشد تفکر عملیات صوری می‌رسد و سعی می‌کند آنچه را درباره مذهب (مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌هایی که در خصوص عقاید و اخلاق و احکام) آموخته است، به هم مربوط کند و یک نظام اعتقادی برای خود به وجود آورد. ایمان دینی برای نوجوان از یک‌سو، راه یافتن به سوی خیر است، و از سوی دیگر، راهی است برای اثبات شخصیت خویش یا همان هویت.

از سوی دیگر، تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجهه نوجوانان با مقتضیات زندگی و انتظارات والدین، دوستان و اطرافیان و تجارب تازه حاصل شده از مناسبات اجتماعی و فرهنگی، درگیری آنان را با مسائل ارزشی و استانداردهای اخلاقی بیشتر می‌کند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰) و اگر آنها به درک درستی از هویت دینی خود برسند، توان مقابله با تهدید انحلال ارزش‌ها و رفتارهای ضد اخلاقی و دینی در اثر هویت‌های ساختگی جهان در حال دگرگونی معاصر را خواهند داشت. در

سایه هویت دینی، می‌توان به هویت‌های دیگر، مانند هویت اخلاقی، شغلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی و تمدنی جهت داد. این بدان روش که دین روش و برنامه زندگی است و می‌تواند با شایستگی کامل، همه هویت‌ها را پیرامون خود گرد آورد.

از سوی دیگر، محدودیت تحقیق جامع و علمی در زمینه هویت اخلاقی و تأثیر اعتقادات دینی نوجوانان و جوانان بر آن، در بحبوه تلاش مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی در جهت رشد فضایل معنوی و ترویج سبک زندگی اسلامی در مواجهه مؤثر با تبلیغات جنگ نرم دشمنان، ضرورت دین‌پژوهی را آشکارتر می‌سازد. بنابراین، با توجه به اهمیت مفاهیم قرآنی در نظر اندیشمندان مسلمان و در راستای تلاش گسترده برای شناساندن معارف قرآنی و معرفی فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی به جوامع غربی، پژوهشگران اقدام به ساخت پرسش‌نامه‌ای کردند که سازه‌های هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان دبیرستانی را می‌سنجد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از دو روش «توصیفی» و «پیمایشی» استفاده شده است. محقق ابتدا پژوهش‌ها و مقیاس‌های خارجی هویت اخلاقی را مطالعه و متون دینی، اعم از قرآن، تفاسیر و کتب اخلاقی را بررسی کرد.

به‌منظور ساخت پرسش‌نامه «هویت اخلاقی - اسلامی»، فضایل اخلاقی، که به صورت مستقیم، آیه‌ای در قرآن کریم برایش آمده است و نیز بیشترین ارتباط و همبستگی را با زندگی روزمره نوجوانان داشت، بررسی شد و در این زمینه، از منابع متعدد اخلاقی، تفسیری و روایی استفاده شد، از جمله: اخلاق در قرآن کریم، قلب سلیم، تفسیر نمونه و تفسیر المیزان، کتاب‌های تقوا در قرآن، گذشت عالی‌ترین نشانه کرامت انسانی، دایره‌المعارف قرآن کریم، ده گفتار و بهشت اخلاق. پس از شناسایی ویژگی‌ها و صفات مطرح در آیات قرآن، مخزنی ۱۵۰ گویه‌ای برای بررسی این عوامل تهیه شد. با درهم ریختن جملات طراحی شده و تنظیم تصادفی آنها، در نهایت نمونه اولیه با ۱۵۰ گویه تهیه شد.

برای بررسی روایی محتوایی (توافق متخصصان) پرسش‌نامه، در مقابل هر گویه مستند، پنج گزینه «بسیار مرتبط» با نمره ۸۰-۱۰۰، «مرتبط» با نمره ۶۱-۸۰، «تا حدی مرتبط» با نمره ۴۱-۶۰، «کمی مرتبط» با نمره ۲۱-۴۰ و «نامرتبط» با نمره ۰-۲۰ گنجانده شد و ساختار و تطابق محتوای هر گویه با ارزش‌های اخلاقی دیدگاه اسلام، توسط ۱۰ تن از روان‌شناسان آگاه به

علوم اسلامی در قالب مقیاس لیکرت ارزیابی گردید. کارشناسان ضمن ارزیابی ساختار و محتوای هر سؤال و مطابقت آن با مستندات ارائه شده (آیات قرآن)، پیشنهادهایی نیز برای اصلاح برخی سؤال‌ها ارائه کردند. در نهایت، پس از انجام اصلاحات و حذف تعدادی از پرسش‌ها، مقیاسی شامل ۵۸ سؤال، که ۸۰ درصد از متخصصان آنها را مناسب تشخیص داده بودند، برای اعتباریابی تهیه گردید.

برای تحلیل آماری، در دو بخش، یعنی «تحلیل عاملی اکتشافی» و «تأییدی» از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۰ استفاده شد. ابتدا برای تعیین ساختار عاملی پرسش‌نامه هویت اخلاقی - اسلامی در دانش‌آموزان از روش «تحلیل عامل اکتشافی» (EFA) استفاده شد. در روش مزبور، هدف کاوش در زمینه‌های مربوط به متغیر، شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه‌ساز متغیرهاست (کرلینجر، ۱۳۹۰، ص ۳۶۷). برای «تحلیل عامل اکتشافی»، بارهای عاملی بالای ۰/۳۰ و مقدار ویژه بالاتر از ۱ مد نظر قرار گرفت. برای بررسی ساختار عاملی، پرسش‌نامه «تحلیل عامل تأییدی» (CFA) به کار برده شد. در تحلیل عامل تأییدی، هدف پژوهشگر تأیید یک ساختار عاملی ویژه است و درباره شمار عامل‌ها به‌طور آشکار، فرضیه بیان می‌شود و برازش ساختار عاملی مورد نظر در فرضیه، با ساختار کوواریانس متغیرهای اندازه‌گیری شده بررسی می‌گردد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹). در تحلیل عامل تأییدی، از شاخص‌های «نسبت مجذور کای» به درجه آزادی، شاخص «نیکویی برازش» (GFI) و «RMSEA» استفاده شد.

نمونه و جامعه آماری: مطالعه حاضر یک طرح مطالعاتی توصیفی - زمینه‌یابی است. جامعه آماری مطالعه حاضر را تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه نواحی آموزشی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ تشکیل دادند. با توجه به نظر کامری در خصوص برآورد حجم نمونه اعتباریابی و تحلیل عاملی، گروه نمونه ۱۰۰ نفری ضعیف است، ۲۰۰ نفری بد نیست (نسبتاً مناسب است)، ۳۰۰ نفری خوب، ۵۰۰ نفری خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفری عالی است (هومن، ۱۳۹۰، ص ۳۸۰). بدین‌روی، در مطالعه حاضر، تعداد ۷۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و با روش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» تعداد نمونه لازم انتخاب شد. نمونه‌گیری بدین‌صورت انجام شد که در مرحله اول، از بین نواحی آموزشی، دو ناحیه ۳ و ۱ به صورت تصادفی انتخاب، و در مرحله دوم از بین مدارس این نواحی، ۱۰ دبیرستان و هنرستان انتخاب و از هر مدرسه ۷۰ تن به‌صورت تصادفی انتخاب شدند که به سؤالات پرسش‌نامه هویت اخلاقی - اسلامی پاسخ دادند.

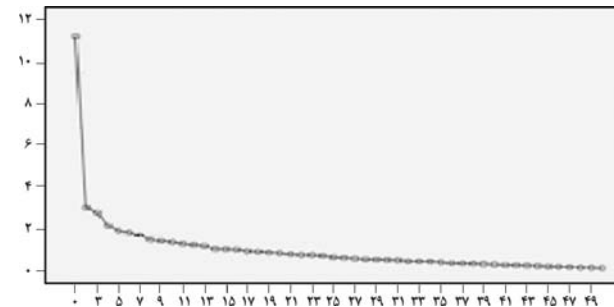
یافته‌های پژوهش

۱. تحلیل عامل اکتشافی

ابتدا امکان انجام تحلیل بر نمونه تحقیق، با استفاده از آزمون بارتلت و KMO بررسی شد. اگر آزمون بارتلت معنادار ($p < 0/05$) و ضریب KMO بزرگ‌تر از $0/6$ باشد، شروط لازم برای کفایت نمونه و اجرای تحلیل عاملی مهیاست. آزمون بارتلت با درجه آزادی 1276 و مجذور کای $3393/746$ در سطح $p = 0/001$ معنادار بود و شاخص کفایت نمونه‌برداری KMO، برابر با $0/80$ به دست آمد و بنابراین، داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب بود. در تحلیل عاملی، از روش «تحلیل مؤلفه‌های اصلی»، آزمون «اسکری»، «چرخش متعامد از نوع واریماکس» و «بارهای عاملی $0/30$ » برای حداقل همبستگی قابل قبول میان هر سؤال و عامل استخراج شده استفاده شد. تحلیل عوامل با روش مؤلفه‌های اصلی به 13 عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک ختم شد که بر روی هم، 65 درصد واریانس مقیاس را تبیین می‌کند.

ملاحظه ارزش‌های ویژه و نمودار اسکری (شکل ۲) نشان داد که نقطه عطف نمودار را می‌توان از عامل هفتم به بعد تعیین کرد. در حقیقت، منحنی یا تفاوت‌های ارزش‌های ویژه است که نقطه عطف نمودار اسکری یا صخره‌ای را تعریف می‌کند؛ یا همان نقطه‌ای که در آن شکل منحنی افقی می‌شود (هومن، ۱۳۹۰، ص ۴۳۷). بنابراین، تحلیل عوامل بعدی بر مبنای 7 عامل و چرخش متعامد واریماکس صورت گرفت که نشان داد این هفت عامل در مجموع، $49/07$ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. این مقدار برای هر یک از عوامل، به ترتیب $9/79$ ، $8/29$ ، $8/26$ ، $7/62$ ، $5/48$ ، $5/01$ و $4/62$ بود. ضریب همبستگی هر سؤال با کل آزمون و عامل‌های تشکیل دهنده، ارزش‌های ویژه 7 عامل و مقدار واریانس تبیین شده آزمون توسط آنها پس از چرخش - به ترتیب - در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

شکل ۲. نمودار صخره‌ای عامل‌های آزمون هویت اخلاقی - اسلامی



جدول ۱. نام‌گذاری عوامل آزمون و مقدار واریانس تبیین شده

عوامل انتخابی	مجموع ضرایب عوامل چرخش نیافته			مجموع ضرایب عوامل چرخش نیافته		
	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تراکمی	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تراکمی
۱. نوع دوستی	۱۱/۳۵	۲۲/۲۶	۲۲/۲۶	۴/۹	۹/۷۹	۹/۷۹
۲. توکل	۳/۰۷	۶/۳۰	۲۸/۵۶	۴/۱۶	۸/۲۹	۱۸/۰۸
۳. درستکاری	۲/۸۹	۵/۴۷	۳۴/۰۳	۴/۰۷	۸/۲۶	۲۶/۳۴
۴. بخشش	۲/۱۶	۴/۲۶	۳۸/۲۹	۳/۷۴	۷/۶۲	۳۳/۹۶
۵. خوش بینی	۱/۹۳	۳/۷۸	۴۲/۰۷	۲/۹۳	۵/۴۸	۳۹/۴۴
۶. تقوا	۱/۸۷	۳/۶۷	۴۵/۷۴	۲/۷۵	۵/۰۱	۴۴/۴۵
۷. فروتنی	۱/۷۰	۳/۳۳	۴۹/۰۷	۲/۳۲	۴/۶۲	۴۹/۰۷

در جدول ۱ عوامل استخراج شده با توجه به ماهیت پرسش‌های تشکیل دهنده هر عامل - به ترتیب - تحت عناوین «نوع دوستی»، «توکل»، «درستکاری»، «بخشش»، «خوش بینی»، «تقوا» و «فروتنی» نام‌گذاری شد.

جدول ۲. ماتریس عاملی پرسش‌نامه هویت اخلاقی - اسلامی با استفاده از چرخش واریماکس

ردیف	گویه	عامل اول (نوع دوستی)	بار عاملی
۱	۳۳	در اتوبوس یا در صف‌های طولانی، جای خود را به افراد مسن که ایستاده‌اند، تعارف می‌کنم.	۰/۷۵
۲	۹	وسایل و اشیایی را که دوست دارم به دیگران می‌بخشم.	۰/۷۲
۳	۱۸	با کمک کردن به دیگران احساس آرامش می‌کنم.	۰/۶۸
۴	۴۵	برای استحکام دوستی‌ها و صمیمیت‌ها به دیگران کمک می‌کنم.	۰/۶۳
۵	۳	به نیازهای (مالی و عاطفی) نیازمندان توجه می‌کنم.	۰/۶۲
۶	۴۲	کار خیر انجام می‌دهم بدون اینکه منتظر پاداش باشم.	۰/۵۷
۷	۲۴	بخشی از پول خود را صرف کمک به نیازمندان می‌کنم.	۰/۵۱
۸	۴۹	در جمع‌آوری غذا، لباس و پول برای نیازمندان مشارکت می‌کنم.	۰/۴۱
عامل دوم (توکل)			
۹	۱	به خدا توکل می‌کنم؛ چون اختیار همه امور به دست اوست.	۰/۸۹
۱۰	۴۰	مطمئنم خداوند مرا در رسیدن به خواسته‌هایم کمک می‌کند.	۰/۷۶
۱۱	۱۶	هنگام تصمیم‌گیری نهایی از خداوند متعال استمداد می‌جویم.	۰/۶۴
۱۲	۲۵	هر پیشامدی را تقدیر الهی می‌دانم و تابع فرمان او هستم.	۰/۶۱
۱۳	۱۱	در فقر، بیماری و پیشامدهای ناگوار یا توکل بر خدا، به دنبال چاره‌جویی هستم.	۰/۵۹

عامل سوم (درستکاری و صداقت)			
۰/۸۲	برای مخفی کردن اشتباهاتم دروغ گفته‌ام.	۱۳	۱۴
۰/۷۱	در حد توانم مسئولیت قبول می‌کنم.	۳۵	۱۵
۰/۷۶	من طبق باورهایم رفتار می‌کنم.	۲۲	۱۶
۰/۶۹	سعی می‌کنم امانتدار خوبی باشم	۴	۱۷
۰/۶۷	به قول و قرار خود پایبندم.	۲۶	۱۸
۰/۶۲	برای رسیدن به هدفم، از هر وسیله‌ای (قسم دروغ یا گریه) استفاده می‌کنم.	۳۰	۱۹
۰/۵۷	کاری را که به عهده من گذاشته شده است به‌خوبی انجام می‌دهم.	۳۸	۲۰
۰/۵۵	در برابر تعهدات خویش، احساس مسئولیت می‌کنم.	۸	۲۱
۰/۴۴	برای خوشایند دیگران، حرف‌های خلاف واقعیت می‌زنم.	۵۶	۲۲
۰/۳۸	رک و بی‌پرده به دیگران می‌گویم که درباره‌شان چه احساسی دارم.	۴۵	۲۳
۰/۳۵	آن کسی نیستم که ادعا می‌کنم.	۱۵	۲۴
عامل چهارم (بخشش)			
۰/۷۶	باور دارم که عفو و گذشت موجب بهتر شدن روابط بین‌فردی می‌شود.	۱۷	۲۵
۰/۶۳	اشتباهات دیگران را می‌بخشم؛ چون دوست دارم خدا هم مرا ببخشد.	۵۱	۲۶
۰/۶۱	مطمئنم کینه‌جویی به نفع هیچ‌کس نیست.	۲۹	۲۷
۰/۵۸	عذرخواهی دیگران را می‌پذیرم.	۵	۲۸
۰/۵۵	وقتی دیگران را می‌بخشم احساس آرامش می‌کنم.	۱۲	۲۹
۰/۵۲	سعی می‌کنم از صحبت‌های بی‌پایه و اساس دیگران درباره خودم ناراحت نشوم و آنها را ببخشم.	۳۹	۳۰
۰/۴۹	بدون اینکه دیگران را به‌خاطر اشتباهات گذشته‌شان سرزنش کنم، آنها را می‌بخشم.	۳۶	۳۱
۰/۴۰	برای آشتی کردن پیش قدم می‌شوم.	۴۷	۳۲
عامل پنجم (خوش بینی)			
۰/۷۶	به آینده‌ام خوش‌بین هستم.	۲۱	۳۳
۰/۷۰	باور دارم که خداوند در هر لحظه به من عنایت دارد و همیشه در پناه او هستم.	۳۲	۳۴
۰/۶۷	مشکلات موجود در زندگی من می‌تواند نتایج مثبتی هم داشته باشد.	۴۱	۳۵
۰/۵۶	غالباً به موفقیت فکر می‌کنم تا شکست.	۵۳	۳۶
۰/۵۲	فکر می‌کنم بیشتر مردم با من منصفانه رفتار می‌کنند.	۱۴	۳۷
۰/۴۵	به‌کارگیری درست استعدادها و توانایی‌ها باعث موفقیت من می‌شود.	۱۰	۳۸
عامل ششم (تقوا)			
۰/۶۶	الگوی رفتاری من در زندگی پیامبر ﷺ، ائمه اطهار و بزرگان دینی هستند.	۲	۳۹
۰/۶۴	سعی می‌کنم کسی را با گفتار یا رفتارم آزار ندهم.	۵۷	۴۰
۰/۵۲	چون منشأ همه امور را خدا می‌دانم، همیشه احساس آرامش می‌کنم.	۴۸	۴۱
۰/۴۹	از گناه (دروغ‌گویی، تقلب در امتحان، مسخره کردن، غیبت کردن و...) پرهیز می‌کنم.	۳۱	۴۲
۰/۳۸	هرچه پیش‌آید در برابر خدا تسلیم و به قضای او راضی هستم.	۶	۴۳
۰/۳۳	در صورتی که مرتکب گناه شوم احساس پشیمانی می‌کنم.	۵۴	۴۴

عامل هفتم (فروتنی)			
۰/۵۴	با پدر و مادرم متواضع و مهربان رفتار می‌کنم.	۲۸	۴۵
۰/۴۸	پیشنهادات و انتقادات سازنده دیگران برای اصلاح رفتارم را به راحتی می‌پذیرم.	۴۴	۴۶
۰/۴۶	هنگام ورود به هر مکانی به همه سلام می‌کنم.	۷	۴۷
۰/۴۱	رفتارم با همه (بزرگ یا کوچک، ثروتمند یا فقیر) محترمانه است.	۳۷	۴۸
۰/۳۹	پیش از ورود به هر مکانی اجازه می‌گیرم.	۲۰	۴۹
۰/۳۵	در انجام کارها به عقاید و نظرات دیگران هم توجه می‌کنم.	۵۰	۵۰

همان‌گونه که جدول ۲ بیان می‌کند، بار عاملی گویه‌ها بین ۰/۳۳ تا ۰/۸۹ قرار دارد و نمایانگر ۷ عامل است. عامل اول ۸ گویه را به خود اختصاص داده است که بار عاملی آنها در دامنه ۰/۴۱ تا ۰/۷۵ قرار داد. با توجه به ماهیت پرسش‌های تشکیل‌دهنده عامل اول، بر اساس آیات قرآنی، این عامل را می‌توان با عنوان «نوع دوستی» نام‌گذاری کرد.

عامل دوم با ۵ گویه، کم حجم‌ترین عامل است که بار عاملی بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۹ دارد که می‌توان آن را «توکل» نامید. عامل سوم، که بیشترین گویه‌های مقیاس (۱۱ گویه) را داراست، دامنه بار عاملی‌اش از ۰/۳۵ تا ۰/۸۲ در نوسان است که آن را «درستکاری و صداقت» می‌نامیم. عامل چهارم از ۸ گویه با بار عاملی ۰/۴۰ تا ۰/۷۶ تشکیل شده که بر اساس گویه‌ها، «بخشش» نامیده می‌شود. عوامل ۵ و ۶ و ۷ هر کدام ۶ گویه، دامنه بار عامل ۰/۳۳ تا ۰/۷۶ را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به ماهیت پرسش‌هایی که در زیر این عوامل قرار می‌گیرد، می‌توان آنها به ترتیب «خوش‌بینی»، «تقوا» و «فروتنی» نام گذاشت. گویه‌های شماره ۱۹ (برای رسیدن به خواسته‌ام در برابر صاحبان قدرت تعظیم می‌کنم)، ۴۳ (در اثبات ادعاهای خود، شواهد محکم و کافی می‌آورم)، ۵۲ (با کمک به دیگران سعی می‌کنم رذایل اخلاقی مثل حرص و بخل را کنترل کنم)، ۵۸ (مخفیانه به نیازمندان کمک می‌کنم) و ۲۳ (هیچ حکمی جز حکم خدا را نمی‌پذیرم) به سبب نداشتن بار عاملی، و گویه‌های شماره ۲۷ (حرف‌هایم با باورها و رفتارم هماهنگ است)، ۳۴ (هرگز خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنم) و ۵۵ (از هر چیزی که دارم خسته و دل‌زده شده‌ام) به علت داشتن همبستگی کمتر از ۰/۳۰ با کل آزمون، از نمونه نهایی حذف شدند.

به منظور سنجش اعتبار یا پایایی درونی، پرسش‌نامه‌های اجرا شده بر نمونه، برای محاسبه آلفای کرونباخ، به وسیله نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

جدول ۳. پایایی و شاخص‌های توصیفی عامل‌ها و کل آزمون هویت اخلاقی - اسلامی

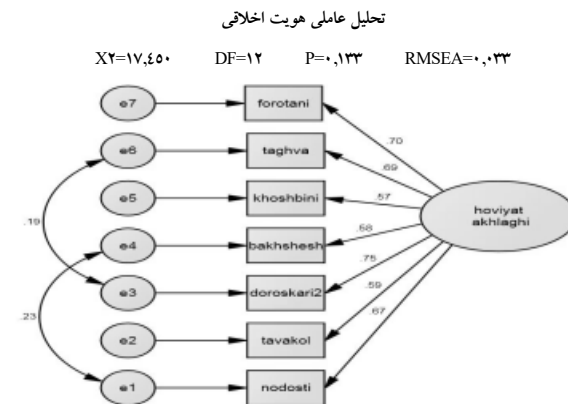
عامل	تعداد سؤال	پایایی	میانگین	انحراف استاندارد
نمونه مقدماتی	۵۸	۰/۹۱	۲۰۴/۶۶۵	۳۶/۵۳۶
۱	۸	۰/۸۳	۲۸/۱۷۰	۴/۳۷۴
۲	۵	۰/۷۸	۱۸/۴۲۷	۳/۴۶۹
۳	۱۱	۰/۷۵	۳۵/۷۴۷	۶/۰۹۷
۴	۸	۰/۷۵	۲۹/۴۵۶	۴/۸۲۳
۵	۶	۰/۷۲	۲۲/۱۰۰	۳/۳۷۲
۶	۶	۰/۷۲	۲۰/۵۲۷	۳/۴۳۹
۷	۶	۰/۷۰	۲۱/۸۳۲	۳/۷۰۳
نمونه نهایی	۵۰	۰/۹۳	۱۷۸/۰۷۰	۲۳/۰۰۵

ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در نمونه مقدماتی برابر ۰/۹۱ و در نمونه نهایی برابر ۰/۹۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای هفت عامل (نوع دوستی)، «توکل»، «درستکاری»، «بخشش»، «خوش بینی»، «تقوا» و «فروتنی» به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۵، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۷۲ و ۰/۷۰ است.

۲. تحلیل عامل تأییدی

در مرحله دوم، از طریق روش «تحلیل عامل تأییدی»، برازش الگوی هفت عاملی بر روی نمونه بررسی شد (شکل ۳). نتایج برازش این مدل در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

شکل ۳. الگوی هفت عاملی مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی



جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش برای عامل‌های استخراج شده در تحلیل عامل اکتشافی

Chi-Square	df	GFI	P	Chi-Square/df	RMSEA
۱۷/۴۵	۱۲	۰/۹۸۸	۰/۱۳۳	۱/۴۵	۰/۰۳۳

با توجه به نتایج جدول ۴ این الگو برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه مناسب تشخیص داده شد. وجود کای اسکوئر (خی دو) غیرمعنادار، نظیر موقعیتی که در آن قرار داریم به خودی خود نتیجه‌ای مطلوب است؛ زیرا نشانه نزدیک بودن مقادیر قرارگرفته در ماتریس کوواریانس مشاهده و باز تولید شده است. نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (Chi-Square/df)، که «کای اسکوئر» نسبی نامیده می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱)، در این جدول مقدار (۱/۴۵) حاکی از یک وضعیت قابل قبول برای الگو است. همچنین شاخص ریشه میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۵ نیز برازش الگو را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی «مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی» بر اساس شاخص‌ها و فضایل اخلاقی استخراج شده از آیات قرآنی اجرا شد، که حاصل آن تهیه ۵۸ گزاره بود که در مقیاس لیکرت نمره داده می‌شود. بررسی اولیه گویه‌های «مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی» حاکی از اعتبار مقدماتی بالایی (۰/۹۱) بود.

برای برآورد اعتبار سازه مقیاس منظور، «تحلیل عامل اکتشافی» صورت گرفت. در بررسی اولیه، ۱۳ عامل در این مقیاس نشان داده شد که پس از چرخش و با در نظر گرفتن نمودار خط شیب‌دار و ارزش ویژه، تعداد ۷ عامل مهم و برجسته پیدا شدند که ۴۹/۰۷ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص می‌دادند.

عوامل هفت‌گانه هویت اخلاقی - اسلامی به‌عنوان شاخص انجام رفتار اخلاقی، مجموعه‌ای از صفات اخلاقی قرآنی مرتبط با فعالیت‌های روزمره و تأثیرگذار در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است:

عامل اول، یعنی «نوع دوستی» شامل گویه‌های معرف کمک‌رسانی با هدف افزایش رفاه دیگران، بدون داشتن انتظار جبران و ناشی از نیت خالص و فقط برای خدا، همدلی، پذیرش مسئولیت اجتماعی، و رفتارهای جامعه‌پسند است. یکی از محوری‌ترین مسائل قرآن کریم توجه به احسان و

دیگر از بارزترین صفات اخلاقی قرآن، «صداقت و راستی» است که هرگاه با «امانت» همراه باشد مجموعه شخصیت انسان را نشان می‌دهد. «صدق» در لغت، به معنای راست گفتن و راست وعده کردن است و در اینجا، منظور راستی در گفتار و نیت و عزم است، معنای دیگر «صدق» در لغت، تمام بودن و صحیح بودن عمل است و اینکه بر حق باشد، و «صدیق» کسی است که همه این حالات را دارا بوده و البته این صفت در او ملکه شده باشد. راستی و راست‌گویی در چندین آیه قرآن آمده است: صدق در اعتقاد (قلم: ۴۱)؛ صدق در اظهار اعتقاد (جمعه: ۶)؛ صداقت در قول و خبر (نساء: ۸۷)؛ صدق در احساس (بقره: ۳۱)؛ و صداقت در عمل (حجرات: ۱۵)؛ توبه: ۱۱۹؛ احزاب: ۲۳؛ زمر: ۳۳). به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: شخص باید در همه امور صادق باشد؛ هم در اعتقاد و هم در قول و فعل: «وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ» (اسراء: ۸۰؛ بهرام ارجاوند، ۱۳۹۱).

۸ گویه عامل چهارم، «بخشش یا گذشت و اغماض از حقوق جانی و مالی» (مانند قصاص یا غرامت و جریمه مالی) و «فراموش کردن خطاهای گفتاری یا رفتاری دیگران» را به‌عنوان آزاد کردن عواطف منفی مانند تفر، کینه و دشمنی؛ «شناخت‌های منفی» مانند افکار آزاردهنده و مزاحم مربوط به انتقام؛ «رفتارهای منفی» نظیر پرخاشگری کلامی؛ «تمایل به هیجان‌نا مثبت»، نظیر عشق، همدلی، شفقت یا همدردی؛ «آرامش درون‌فردی»؛ «تجربه رنجش فردی کمتر»، و «روابط صمیمانه‌تر با دیگران» توصیف می‌کند. «بخشودن و بخشش» یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است (انزایت، ۲۰۱۱، ص ۲۸).

واژه «عفو» با مشتقاتش ۳۴ بار در قرآن به کار رفته است: اعراف: ۱۹۹؛ نور: ۲۲؛ شوری: ۴۰؛ بقره: ۱۸۷؛ مانده: ۹۵ و آل‌عمران: ۱۳۴. بخشش شاهراه سلامت روانی است که یا به علت انگیزه آرامش درونی یا بهبود روابط با خاطی و یا به‌منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد. با توجه به اسلامی بودن جامعه ما و لزوم رعایت اصول اخلاقی، به‌ویژه در روابط با دیگران، که مورد تأکید آیات قرآن مجید است، اهمیت بخشش در زندگی شخصی و اجتماعی مشخص می‌شود (ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱).

پنجمین عامل «خوش‌بینی یا مثبت‌اندیشی و تغافل خیر به خداوند و جهان و دیگر انسان‌ها» است. گویه‌های این عامل شامل «خوش‌بینی به آینده» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان، «حسن ظن نسبت به خداوند متعال و خلق» و تنظیم اعمال و رفتار بر اساس آن، «اجتناب از پیش‌داوری»، «پرهیز از قضاوت عجولانه» و خطای اسناد درباره رفتارهای دیگران، «جهت‌گیری خوش‌بینانه یا اطمینان به‌منظور رسیدن به هدف‌های مطلوب» و داشتن این انتظار است که کارها در مجموع، خوب

نیکوکاری و انفاق در راه خداست که بیش از ۱۰۰ آیه درباره این موضوعات نازل شده است. «احسان» در متون اخلاقی و دینی ما، یکی از فضایل اخلاقی دانسته شده است، مشروط بر اینکه از رنگ و ریا و حب غیرخدا به دور و از سر طاعت و نیک سیرتی باشد (مردانی نوکنده، ۱۳۸۲). فضیلت قرآنی «احسان» به اشکال ذیل تعریف شده است: رساندن نفع و سود نیکو به دیگری؛ کاری که از سر آگاهی و به شکل شایسته انجام گیرد؛ و نیز انجام کاری به شکل نیکو و با انگیزه خدایی؛ و رساندن سود به دیگری بی‌چشم‌داشت هرگونه پاداش و جبران کردنی (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۰).

«توکل» به‌عنوان عامل دوم دربرگیرنده گویه‌های آرامش کامل در همه امور و حواله‌کردن کارها است به خدا و تکیه نکردن به هر نیرویی بجز خدا و قطع امید از آنچه در دست مردم قرار دارد. از جمله صفات اخلاقی تأکید شده در قرآن، مسئله توکل و توجه دادن انسان غفلت زده به مسبب‌الاسباب واقعی، یعنی خداوند است (حیدری، ۱۳۹۰). «توکل» در لغت، یعنی اعتماد کردن و تکیه کردن (زمانی جعفری، ۱۳۶۷، ص ۴۸۲). گویی این آدمی، همه چیز را در اسباب ظاهری دنیا خلاصه می‌کند و هیچ جایگاهی برای اراده خدا در نظر نمی‌گیرد و فقط به تلاش و تدبیر خود تکیه می‌کند و می‌انگارد که توکل با کار و تلاش تضاد دارد، و حال آنکه هستی و قوانین حاکم بر آن، همه به اراده و اذن اوست (جعفری، ۱۳۶۶، ج ۱۵، ص ۹۶). «توکل» به‌معنای آماده‌سازی مقدمات کار و تلاش کامل و سپس تکیه و اعتماد بر قدرت بیکران الهی است، نه به‌معنای رها کردن کارها (بهجت‌پور و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۹۶). از جمله آیات معروف در این باب، آیه ۳ سوره طلاق است: «هرکه بر خدا اعتماد و توکل کند، وی او را بس است». واژه «توکل» و مشتقات آن در قرآن کریم ۷۰ مرتبه در ۲۹ سوره و در ۶۱ آیه آمده است.

گویه‌های سومین عامل یعنی «درستکاری و صداقت» شامل صدق در گفتار (اینکه قول و خبر مطابق آن چیزی باشد که از آن خبر می‌دهد و بدون اختلاف باشد)؛ راستی و صدق در اعتقاد (اظهار اعتقاد و یکسانی ظاهر و باطن بدون نفاق)؛ صدق در احساس (احساس کاملاً صحیح و مطابق باشد با آنچه در باطن است)؛ و صداقت در عمل است؛ یعنی عمل از تمام جهات و شرایط کامل و تمام باشد که در این معنا، «صدق» از یک‌سو، در کنار مفاهیمی همچون وفای به تعهدات، اعتمادسازی و احساس امنیت در روابط، امانت‌داری، آمادگی برای پاسخ‌گویی نسبت به وظایف، افکار و رفتار نسبت به دیگران، وظیفه‌شناسی، و التزام در قبال تعهدات فردی، خانوادگی و اجتماعی است. از سوی دیگر، در تقابل با مفاهیمی نظیر نقض عهد، خیانت، فریب، نفاق و فرار از مسئولیت قرار می‌گیرد. یکی

واژه «تقوا» و کلمات هم‌خانواده آن در مجموع، ۲۵۸ بار به دو گونه فعلی و اسمی در قرآن استعمال شده و ۲۰۶ آیه قرآن با موضوع «تقوا» است (دیانی، ۱۳۷۸، ص ۴۶).

شش گویه آخرین عامل یعنی «فروتنی» بیانگر حالتی است که انسان با حفظ شخصیت اجتماعی، خود را بالاتر و برتر از دیگران نبیند و افعال و اقوالش موجب بزرگداشت و تکریم کسانی باشد که شایستگی و حق احترام دارند؛ ابتدا به سلام کردن، رفاقت و همنشینی و بهره‌گیری از تجارب دیگران در قالب مشورت به‌عنوان منبع مهمی از «علم» به‌شمار می‌رود. «تواضع» در زبان قرآن، از صفات برجسته و ارزشمند انسانی است که در عین قدرت، خود را کوچک می‌شمارد و رفتار محبت‌آمیز و ملایم با دیگران دارد. رعایت این حالت در برخورد با مردم، در تحکیم روابط اجتماعی تأثیر بسزا دارد (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱). «تواضع» از ماده «وضع» در اصل، به‌معنای «فرو نهادن» است و به‌عنوان یک صفت اخلاقی، مفهومش این است که انسان خود را پایین‌تر از آنچه موقعیت اجتماعی اوست قرار دهد، بعکس تکبر. تعبیر به «فروتنی» در فارسی، دقیقاً همین معنا را می‌رساند و این مسئله از خلال گفتار و رفتار انسان‌ها نمایان می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۷). آیه‌های ۵۴ سوره مائده، ۶۳ سوره فرقان، ۳۷ سوره اسراء، ۲۱۵ سوره شعراء و ۸۸ سوره حجر به این فضیلت اخلاقی مربوطند (همان، ص ۷۰).

برازش هفت عامل در تحلیل عامل تأییدی نیز مناسب بود. افزون بر آن، همبستگی تمامی گویه‌ها و عوامل با نمره کل مقیاس، مثبت و معنادار بود.

این پژوهش در گسترش ادبیات روان‌شناسی دین نیز سهم است. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل نوع‌دوستی، توکل، درستکاری، بخشش، خوش‌بینی، تقوا و فروتنی از مهم‌ترین سازه‌های هویت اخلاقی - اسلامی است. این یافته‌ها با توجه به توصیه و تأکید آیات قرآن به استلزام اکتساب این فضیلت‌ها برای افراد متدین دارای اهمیت است. به نظر می‌رسد صفات اخلاقی دوستی، توکل، درستکاری، بخشش، خوش‌بینی، تقوا و فروتنی با انواع سازگارتی از تعهد به دین، مانند جهت‌گیری دینی درونی، رابطه‌ای قوی‌تری دارد. «جهت‌گیری دینی» به نوع انگیزش افراد در گرایش به دین اشاره دارد. ویلیام جیمز دو نوع تجربه دینی را تشریح کرد که پایه مفهوم‌سازی‌های جدیدتر از جهت‌گیری دینی شد. آلپورت این دو نوع رفتار دینی را جهت‌گیری‌های دینی درونی و بیرونی نامید. کسی که دین را هدف و مؤلفه اصلی هویت خود می‌بیند دارای جهت‌گیری درونی است؛ اما کسی که دین را ابزاری برای اهداف دیگر می‌بیند دارای جهت‌گیری بیرونی است. بنابراین، کسانی که خودپنداره‌شان پیرامون

پیش خواهد رفت. «حسن‌ظن» از فضائل اخلاقی است که توصیه‌های فراوانی در قرآن کریم، روایات اسلامی و سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در این خصوص مشاهده می‌شود. «حسن‌ظن» در لغت، به‌معنای «گمان نیک و خوش‌بینی»، در مقابل «سوءظن» به‌معنای «بدگمانی و بدبینی» است. در تعریف اصطلاحی، «نیک‌انگاری درباره خداوند، فعل و انفعالات جهان و نیز پندار، گفتار و کردار انسان‌ها «خوش‌بینی، مثبت‌نگری» یا به تعبیر روایات اسلامی، «حسن‌ظن» نام دارد. در بررسی متون اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، به نظر می‌رسد که بیشتر تأکیدها بر خوبی‌ها و نقاط قوت افراد است. برای نمونه، حجر: ۹؛ تین: ۴؛ حجرات: ۱۲ و فتح: ۶: سوءظن نسبت به مردم؛ فتح: ۱۲؛ احزاب: ۱۰ و آل‌عمران: ۵۴: سوءظن نسبت به ساحت قدس پروردگار عالم یا وعده‌های الهی؛ نور: ۱۲: مذمت از سوءظن به‌طور عام و دعوت به حسن‌ظن (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۲)؛ و مؤمنون: ۸۵ و ۱۰۶؛ مائده: ۱۸: حسن ظن به خدا (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

«تقوا» به‌عنوان ششمین عامل، معرف پیروی از قرآن و پیشوایان دینی، اعتماد صرف به خدا، تسلیم حق بودن و ترک اعراض از احکام الهی، داشتن امکان کنترل درونی و خویش‌تن‌داری در برابر گناهان و ارتکاب امور ناشایست، و پشیمانی و توبه در صورت ارتکاب گناه است. همسو با این عامل، تحقیقات قبلی نیز خویش‌تن‌داری را یکی از پیشایندهای (سازه‌ها یا صفات اخلاقی) مهم هویت اخلاقی می‌داند؛ یعنی فردی با خودکنترلی قوی‌تر احتمالاً اخلاقی‌تر رفتار می‌کند (بولین (Bolin)، ۲۰۰۴؛ بومیستر و اکسلن (Baumeister & Exline)، ۱۹۹۹). «تقوا» یکی از سجایای نیک اخلاق است و از نظر دسته‌بندی، جزو ملکه عفت محسوب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۲). «تقوا» از ماده «وقی» به‌معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. شهید مطهری پس از بررسی واژه «تقوا» در لغت و استعمال آن، می‌نویسد:

«تقوا» به‌معنای عام کلمه، زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از اصول معینی پیروی نماید. «تقوای دینی و الهی» یعنی اینکه انسان خود را آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷).

حقیقت تقوا از نظر شهید دستغیب این‌گونه توصیف شده است:

«تقوا» از «وقایه» به‌معنای نگه داشتن و پرهیز است و از نظر شرعی، به‌معنای بازداشتن خود است از هر چه زبان آخرتی داشته باشد، و نیز دوری کردن از مخالفت با پروردگار در اوامر و نواهی (دستغیب، ۱۳۸۳).

باورهای اخلاقی - اسلامی آنها سازمان داده شده است، غالباً به‌طور منظم این باورها را در تمام دوران زندگی به شیوه رفتار و عمل خود منتقل می‌کنند. کولبی و دامون هم در بررسی الگوهای اخلاقی بزرگسال، به این نتیجه رسیدند که تعهد اخلاقی مداوم مستلزم یکپارچه کردن خود، اخلاق و معنویت است، نه توانایی‌های پیچیده استدلال اخلاقی (کولبی و دامون، ۱۹۹۲).

تمام سؤالات مقیاس با الهام از آیات مقدس قرآن حاصل شده است. این پرسش‌نامه ابزاری مناسب برای سنجش هویت اخلاقی - اسلامی دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی به‌شمار آید است و این پژوهش مهر تأییدی بر این موضوع است؛ اما اجرای پژوهشی مشابه با در نظر گرفتن زنان و مردان و نمونه‌های گسترده در رده‌های سنی، چارچوب دانشگاهی و مراتب گوناگون شغلی در وسعت بخشیدن به این موضوع، سودمند خواهد بود. همچنین بررسی متغیرهای تأثیرگذار احتمالی مانند رشد شناختی، نگرش‌ها و ارزش‌ها و محدودیت‌ها در شکل‌گیری هویت اخلاقی می‌تواند نقش مؤثری در فهم هرچه بیشتر ماهیت پیچیده کارکردهای اخلاقی داشته باشد.

امید است این مجموعه بتواند با روشن ساختن اهمیت، زاویه‌ها و عوامل شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی در کودکان و نوجوانان، در پرورش نسل جوانی برخوردار از هویت دینی مطلوب، گامی مؤثر بردارد.

منابع

- افشارکرمانی، عزیزاله، ۱۳۹۰، «مراتب فضیلت و اخلاق»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۸، ص ۶۱-۷۸.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۸، *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
- ایمانی‌فر، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۹۱، «بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم»، *انسان پژوهی دینی*، دوره نهم، ش ۲۷، ص ۱۴۹-۱۷۵.
- بهجت‌پور، عبدالکریم و همکاران، ۱۳۸۵، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم، معارف.
- بهرام ارجاوند، روح‌الله، ۱۳۹۱، *بررسی محاسن اخلاقی در قرآن*، سایت راسخون <https://rasekhoon.net/article/print/۱۵۴۵۱۴>
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۶، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، چ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *مبانی اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
- حسینی، محمد، ۱۳۸۳، «بررسی دیدگاه‌های ارزش‌شناسی علامه طباطبائی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی»، *روانشناسی و علوم تربیتی*، سال سی و چهارم، ش ۲، ص ۲۲۴-۱۹۹-۲۲۴.
- حیدری، علی‌جمعه، ۱۳۹۰، *زمینه‌ها و انحصار توکل بر خدا در قرآن*، قابل دسترسی در سایت راسخون. <http://www.rasekhoon.net/article/print-۱۰۱۰۰۲.aspx>
- دائرةالمعارف قرآن کریم، جلد دوم، بخش احسان، قابل دسترسی در پایگاه مرکز فرهنگ و معارف قرآن به آدرس: www.maarefquran.com
- دستغیب، عبدالحسین، ۱۳۸۳، *گناهان کبیره*، قم، جامعه مدرسین.
- دیانی، محبوبه، ۱۳۷۸، *تقوا در قرآن*، آیات تقوا در قرآن تهران، به دید.
- زمانی جعفری، کریم، ۱۳۶۷، *سیری در فرهنگ لغات نهج‌البلاغه*، تهران، کیهان.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۸۰، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۱، *مجموعه مقالات*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ، ۱۳۸۶، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد.
- قاسمی، وحید، ۱۳۸۹، *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics* تهران، جامعه‌شناسان.
- کرلینجر، فردریک نیکلز، ۱۳۹۰، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند، تهران، آوای نور.
- لطف‌آبادی، حسین، ۱۳۸۰، «روانشناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، *قسمت اول فصلنامه حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۶۱-۹۶.
- ، ۱۳۸۴، «نقد نظریه‌های رشد اخلاقی پیازه و کلبه‌گ و باندورا و ارائه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ایرانی»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال چهارم، ش ۱۱، ص ۸۰-۱۰۷.

- Mulder, L. B., & Aquino, K., ۲۰۱۳, The role of moral identity in the aftermath of dishonesty, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, v. ۱۲۱(۲), p. ۲۱۹-۲۳۰.
- Moshman, D., ۲۰۰۹, Identity, morality, and adolescent development, *Human Development*, v. ۵۲(۵), p. ۲۸۷-۲۹۰.
- Narvaez, D., & Lapsley, D. K., ۲۰۰۹, Moral identity, moral functioning, and the development of moral character, *Psychology of Learning and Motivation*, v. ۵۰, p. ۲۳۷-۲۷۴.
- Nisan, M., ۲۰۰۴, *Judgment and choice in moral functioning, Moral development, self, and identity*, Mahwah, NJ: Erlbaum, ۱۳۳-۱۶۰.
- Reed, & Aquino, ۲۰۰۳, Moral identity and the expanding circle of moral regard toward out-groups, *Journal of personality and social psychology*, v. ۸۴(۶), p. ۱۲۷۰-۱۲۸۶.
- Reynolds, S. J., & Ceranic, T. L., ۲۰۰۷, The effects of moral judgment and moral identity on moral behavior: an empirical examination of the moral individual, *Journal of Applied Psychology*, v. ۹۲(۶), p. ۱۶۱۰-۱۶۲۴.
- Santrock, J.W., ۲۰۰۱, *Child development. 7th Edition*, Toronto: McGrawHill.
- Vitell, S. J., & et al, ۲۰۰۹, Religiosity and moral identity: The mediating role of self-control, *Journal of Business Ethics*, v. ۸۸(۴), p. ۶۰۱-۶۱۳.
- Walker, L. J., & Pitts, R. C., ۱۹۹۸, Naturalistic conceptions of moral maturity, *Developmental Psychology*, v. ۳۴ (۳), p. ۴۰۳-۴۱۹.

- مردانی نوکنده، محمدحسین، ۱۳۸۲، «احسان و انفاق از منظر آیات و روایات، *کیهان فرهنگ*، ش ۲۰۵، ص ۳۲-۳۵.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *ده گفتار*، چ پنجم، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن کریم*، قم، مدرسه علی بن ابیطالب.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۹۰، *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*، چ سوم، تهران، بیک فرهنگ.
- Aquino, K., & et al, ۲۰۰۹, Testing a social-cognitive model of moral behavior: the interactive influence of situations and moral identity centrality, *Journal of personality and social psychology*, v. ۹۷(۱), p. ۱۲۳-۱۴۱.
- Aquino, K., & Reed, A., ۲۰۰۲, The self-importance of moral identity, *Journal of personality and social psychology*, v. ۸۳(۶), p. ۱۴۲۳-۱۴۴۰.
- Baumeister, R. F., & Juola Exline, J., ۱۹۹۹, Virtue, Personality, and Social Relations: Self-Control as the Moral Muscle, *Journal of personality*, v. ۶۷(۶), p. ۱۱۶۵-۱۱۹۴.
- Black, J., ۲۰۱۲, Initial development and psychometric characteristics of the moral cognition inventory (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Blasi, A., ۱۹۸۳, Moral cognition and moral action: A theoretical perspective, *Developmental review*, v. ۳(۲), p. ۱۷۸-۲۱۰.
- Blasi, A., ۱۹۸۴, Moral identity: Its role in moral functioning. In W. Kurtines & J. Gewirtz Eds.), *Morality, moral behavior and moral development* (p. ۱۲۸-۱۳۹). New York: Wiley.
- Blasi, A., ۲۰۰۴, Moral Functioning: Moral Understanding and Personality. in D.lapsley and D.Narvaez(Eds), *Moral development, self, and identity*. (Erlbaum.Mahwah,NJ), p. ۳۳۵-۳۴۷.
- Bolin, A. U., ۲۰۰۴, Self-control, perceived opportunity, and attitudes as predictors of academic dishonesty, *The Journal of Psychology*, v. ۱۳۸(۲), p. ۱۰۱-۱۱۴.
- Colby, & Damon, ۱۹۹۲, *Some do care: Contemporary lives of moral commitment*, New York: Free Press.
- Hardy, S. A., ۲۰۰۶, Identity, reasoning, and emotion: An empirical comparison of three sources of moral motivation, *Motivation and Emotion*, v. ۳۰(۳), p. ۲۰۵-۲۱۳.
- Hardy, S. A., & Carlo, G., ۲۰۱۱, Moral identity: What is it, how does it develop, and is it linked to moral action?, *Child Development Perspectives*, v. ۵(۳), p. ۲۱۲-۲۱۸.
- Hart, D., & Atkins, R., ۲۰۰۴, *Religious participation and the development of moral identity in adolescence*, In Nurturing morality (pp. ۱۵۷-۱۷۲).
- Johnston, M. E., & et al, ۲۰۱۳, Predicting moral outrage and religiosity with an implicit measure of moral identity, *Journal of Research in Personality*, v. ۴۷, p. ۲۰۹-۲۱۷.
- Leonard, R. J., ۲۰۱۰, Moral identity in adolescence: A literature review, Azusa pacific university.
- Maclea, A. M., & et al, ۲۰۰۴, Transcendence and the moral self: Identity integration, religion, and moral life, *Journal for the scientific study of religion*, v. ۴۳(۳), p. ۴۲۹-۴۳۷.

پیوست: مخزن سؤالات

بسیار مرتب	مرتب	تا اندازه‌ای مرتب	کمی مرتب	نامرتب
۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۰-۲۰
				۱. وقتی دیگران را می‌بخشم احساس آرامش می‌کنم (تغابن: ۱۴؛ آل‌عمران: ۱۳۴؛ بقره: ۵۲؛ شوری: ۳۷)
				۲. باور دارم که کینه‌جویی به نفع هیچ‌کس نیست (شوری: ۳۰).
				۳. طبق باورهایم رفتار می‌کنم (جمعه: ۶).
				۴. در اثبات ادعاهای خود شواهد کافی و محکم می‌آورم (نور: ۱۳).
				۵. نماز و روزه قضا شده خود را به جای می‌آورم (آل‌عمران: ۱۳۵).
				۶. هر چه پیش آید در برابر خدا تسلیم و به قضای او راضی هستم (طلاق: ۲ و ۳).
				۷. باور دارم که خداوند در هر لحظه به من عنایت دارد و همیشه در پناه او هستم (حجر: ۴۹؛ ضحی: ۲).
				۸. صداقت و صمیمیت مرا نزد دیگران محبوب می‌سازد (حجرات: ۱۲).
				۹. هر پیش‌آمدی را تقدیر الهی می‌دانم و تابع فرمان او هستم (ابراهیم: ۱۲).
				۱۰. همیشه و در هر کاری به خدا توکل می‌کنم (آل‌عمران: ۱۲۲؛ نحل: ۴۲؛ مجادله: ۱۰).
				۱۱. در جمع‌آوری غذا، لباس و پول برای نیازمندان مشارکت می‌کنم (بقره: ۸۳).
				۱۲. چیزهایی را که خودم دوست دارم به دیگران می‌بخشم (آل‌عمران: ۹۲).
				۱۳. رفتارم با پدر و مادرم متواضعانه و همراه با احترام و محبت است (اسراء: ۲۴).
				۱۴. فکر می‌کنم از دیگران خیلی بهترم (لقمان: ۱۸).
				۱۵. به هنگام تصمیم‌گیری نهایی از قدرت بی‌پایان پروردگار استمداد می‌جویم (آل‌عمران: ۱۵۹).
				۱۶. همه امور و کارهای خدا را به خدا واگذار می‌کنم (انفال: ۶۱).
				۱۷. بخشی از پول خود را به نیازمندان می‌بخشم (ذاریات: ۹).
				۱۸. وقتی کار خیر انجام می‌دهم حتی بدون پاداش هم احساس رضایت خاطر می‌کنم (بقره: ۳۶۵؛ نساء: ۱۲۵).
				۱۹. کاری که به عهده من گذاشته شده را به خوبی انجام می‌دهم (احزاب: ۲۳؛ حجرات: ۱۵).
				۲۰. برای مخفی کردن اشتباهاتم دروغ گفته‌ام (یوسف: ۱۶ و ۱۷).
				۲۱. وقتی تکالیف مذهبی‌ام را انجام نمی‌دهم احساس گناه می‌کنم (طلاق: ۵؛ اعراف: ۲۰۱).
				۲۲. رسول خدا و ائمه اطهار <small>علیهم‌السلام</small> را الگوی رفتاری خود قرار داده‌ام (نور: ۵۲).
				۲۳. باور دارم که گذشت و بخشش باعث بهتر شدن روابط بین‌فردی می‌شود (شوری: ۴۰؛ فصلت: ۳۴).
				۲۴. بخشیدن دیگران را نوعی اتفاق می‌دانم (بقره: ۲۱۹).
				۲۵. از هر چیزی که دارم خسته و دل‌زده شده‌ام (فتح: ۱۲).
				۲۶. بعد از هر شکستی از دنبال کردن خط رفتاری خود مأیوس نمی‌شوم (احزاب: ۱۰).
				۲۷. بدون اینکه کسی سؤال کند از موفقیت‌های ورزشی، تحصیلی و هنری خود صحبت می‌کنم (لقمان: ۹).
				۲۸. تواضع و فروتنی را لازمه بنده خوب خدا بودن می‌دانم (فرقان: ۳۳).
				۲۹. باور دارم که تقوا و خود‌نگهداری مرا از سختی‌ها و بلاها نجات می‌دهد (طلاق: ۲؛ یوسف: ۹۰).
				۳۰. از انجام کارهای خلاف برخیز می‌کنم (انفال: ۲۹).
				۳۱. معیارم برای احترام گذاشتن به افراد ثروت آنهاست (هود: ۲۹).
				۳۲. سعی می‌کنم متواضعانه و با احترام با دیگران رفتار می‌کنم (اسراء: ۳۸۷).

				۳۳. آن کسی که ادعا می‌کنم نیستم (جمعه: ۶).
				۳۴. رک و بی‌پرده به دیگران می‌گویم که در موردشان چه احساسی دارم (بقره: ۳۱).
				۳۵. به خدا توکل می‌کنم و او مرا به خواسته‌هایم می‌رساند (آل‌عمران: ۱۵۴؛ لقمان: ۲۲).
				۳۶. با محبت کردن به دیگران همواره مورد محبت واقع می‌شوم (حجرات: ۱۲؛ نور: ۱۲).
				۳۷. به نیازهای دیگران (مالی یا عاطفی) توجه می‌کنم (نساء: ۳۶).
				۳۸. مخفیانه به نیازمندان کمک می‌کنم (بقره: ۲۷۱).
				۳۹. برای آشتی کردن پیش قدم می‌شوم (شوری: ۴۰).
				۴۰. دیگران را می‌بخشم تا خدا هم مرا ببخشد (نور: ۲۲؛ نساء: ۱۴۹).
				۴۱. برای رسیدن به خواسته‌ام در برابر صاحبان قدرت تعظیم می‌کنم (یوسف: ۶۷).
				۴۲. در فقر و بیماری و پیش‌آمدهای ناگوار با توکل بر خدا به دنبال چاره‌جویی هستم (ابراهیم: ۱۲).
				۴۳. هنگام دعا و نیایش در وجود خود احساس آرامش می‌کنم (بقره: ۲۱).
				۴۴. با پدر و مادرم با احترام و اکرام صحبت می‌کنم (اسراء: ۲۳).
				۴۵. بدون سرزنش و ملامت کردن دیگران اشتباهاتشان را می‌بخشم (حجر: ۸۵).
				۴۶. در برابر تمهیدات خویش احساس مسئولیت می‌کنم (حجرات: ۱۵).
				۴۷. به توانایی‌هایی خودم ایمان دارم و موفق می‌شوم (فتح: ۱۲).
				۴۸. فقط به‌خاطر رضای خدا به نیازمندان کمک می‌کنم (بقره: ۳۶۵؛ نساء: ۲۵).
				۴۹. هر گاه به خدا توکل می‌کنم، او مرا کمک می‌کند (آل‌عمران: ۱۵۹).
				۵۰. در صورتی که مرتکب گناه شوم احساس پشیمانی می‌کنم (اعراف: ۲۰۱؛ طلاق: ۵؛ آل‌عمران: ۱۳۵).
				۵۱. از دروغگویی پرهیز می‌کنم (انفال: ۲۹).
				۵۲. هیچ حکمی جز حکم خدا را نمی‌پذیرم (طلاق: ۲ و ۳).
				۵۳. خدا ترسی و پرهیزگاری به من آرامش می‌بخشد (طلاق: ۲).
				۵۴. با مردم با خوشرویی رفتار می‌کنم (لقمان: ۱۸؛ شعراء: ۲۱۵).
				۵۵. پیشنهادات و انتقادات دیگران را به راحتی می‌پذیرم (بقره: ۲۰۶؛ اسراء: ۸۵).
				۵۶. با همه (بزرگ یا کوچک، ثروتمند یا فقیر) محترمانه رفتار می‌کنم (هود: ۲۹).
				۵۷. باور دارم که خداوند انسان‌های متواضع و فروتن را دوست دارد (مائده: ۵۴).
				۵۸. از سخنان بی‌پایه و اساس دیگران درباره خودم ناراحت نمی‌شوم و آنها را می‌بخشم (آل‌عمران: ۱۵۹).
				۵۹. سخنان اهانت‌بار و خشونت‌آمیز افراد نیازمند و گرفتار را تحمل کرده و آنها را می‌بخشم (بقره: ۲۳۳).
				۶۰. عذرخواهی دیگران را می‌بخشم و آنها را به‌خاطر اشتباهاتشان سرزنش نمی‌کنم (اعراف: ۱۹۹).
				۶۱. باور دارم خداوند نسبت به اهل ایمان بخشنده و غفور است (بقره: ۵۲).
				۶۲. برای خوشایند دیگران خلاف واقعیت حرف می‌زنم (قلم: ۴۱).
				۶۳. به نظرم دروغ گفتن باعث می‌شود افراد کمتر به هم اعتماد کنند (نور: ۱۲).
				۶۴. هیچ خبری را بدون تحقیق تأیید نمی‌کنم (حجرات: ۶؛ نمل: ۲۷).
				۶۵. مطلبی را که کاملاً از درستیش اطمینان ندارم نقل نمی‌کنم (نور: ۱۵).
				۶۶. در صورت استفاده از استمدادها و توانایی‌هایم حتماً موفق می‌شوم (فتح: ۱۲).
				۶۷. شکست و اشتباهات خود را به منظور کسب تجربه تحلیل می‌کنم (احزاب: ۱۰).
				۶۸. هرگز خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنم (حجرات: ۱۲).
				۶۹. احساس می‌کنم به درد هیچ کاری نمی‌خورم و در زندگی هرگز موفق نخواهم شد (فتح: ۶ و ۱۲).
				۷۰. بدون منت به دیگران کمک می‌کنم (بقره: ۲۶۴).
				۷۱. حتی اگر خود نیاز داشته باشم اول به دیگران کمک می‌کنم (حشر: ۹).

۷۲	با کمک کردن به دیگران احساس آرامش می‌کنم (آل‌عمران: ۱۴۸؛ فصلت: ۳۴).
۷۳	کار خیر انجام می‌دهم بدون اینکه انتظار پاداش داشته باشم (نساء: ۱۲۵).
۷۴	با توکل به خدا در خود نیروی فوق‌العاده‌ای احساس می‌کنم (آل‌عمران: ۱۷۳).
۷۵	به خدا توکل می‌کنم چون خودش راه درست را به ما نشان می‌دهد (ابراهیم: ۱۲).
۷۶	فقط به خدای توانا توکل می‌کنم (نمل: ۷۹).
۷۷	اطمینان دارم خداوند مرا در رسیدن به خواسته‌هایم کمک می‌کند (انفال: ۴۹).
۷۸	مانند مؤمنان سعی می‌کنم خودنگهدار و پرهیزگار باشم (حدید: ۲۸).
۷۹	برای رسیدن به اهدافم از هر روشی (قسم دروغ یا گریه) استفاده می‌کنم (قلم: ۱۰؛ یوسف: ۱۶).
۸۰	نسبت به سخنان بی‌بایه و اساس و نادرست درباره خودم بی‌اعتنا هستم (فرقان: ۶۳).
۸۱	باور دارم بخشیدن دیگران نشانه تقوی و خداپرستی است (بقره: ۲۳۷).
۸۲	برای استحکام دوستی و صمیمیت به دیگران کمک می‌کنم (فصلت: ۳۴).
۸۳	بیشتر به موفقیت فکر می‌کنم تا شکست (فتح: ۱۲).
۸۴	با توکل به خدا از او طلب توفیق می‌کنم (هود: ۸۸).
۸۵	سعی می‌کنم توانایی خود را برای فهم حقایق جدید متحول سازم (انفال: ۲۹).
۸۶	نسبت به اعتقاداتم باور قلبی دارم (جمعه: ۶).
۸۷	فروتنی و تواضع کردن محبوب مردم می‌شوم (آل‌عمران: ۱۵۹).
۸۸	بخشش دیگران را زمینه‌ساز آموزش و محبت الهی می‌دانم (مانده: ۱۳).
۸۹	در اتوبوس جای خود را به افراد مسن تعارف می‌کنم (یوسف: ۷۸).
۹۰	من به آینده زیبایی که در انتظارم است ایمان دارم (ضحی: ۵؛ اعراف: ۱۷۸؛ نور: ۵۵؛ انبیاء: ۱۵۵؛ قصص: ۵).
۹۱	به خدا توکل می‌کنم چون همه چیز به دست قدرت اوست (هود: ۱۲۳).
۹۲	باور دارم پرهیزگاری و خدا ترسی باعث اصلاح امور می‌شود (بقره: ۲۸۲).
۹۳	در حد توانم مسئولیت قبول می‌کنم (عنکبوت: ۳).
۹۴	قبل از ورود به هر مکان اجازه می‌گیرم (نور: ۲۷).
۹۵	مانند مؤمنان هنگام خشم دیگران را می‌بخشم (شوری: ۳۷).
۹۶	به‌منظور استحکام دوستی‌ها به دیگران هدیه می‌دهم (بقره: ۲۳۶).
۹۷	فکر می‌کنم مشکلات موجود پیامدهای مثبت هم دارد (احزاب: ۱۰).
۹۸	برای حفظ خود از هر شر و بدی به خدا توکل می‌کنم (یونس: ۸۴).
۹۹	تقوی و خودنگهداری را راه خروج از بن‌بست‌های اخلاق و اجتماعی می‌دانم (طلاق: ۴).
۱۰۰	به قول و قرار خود پایبندم (معارج: ۳۲؛ بقره: ۱۷۷).
۱۰۱	در انجام کارها به عقاید و نظرات دیگران توجه می‌کنم (آل‌عمران: ۱۵۹؛ اعام: ۵۴؛ زخرف: ۸۹).
۱۰۲	بخشش از جانب صاحبان قدرت را ارزشمند می‌دانم (بقره: ۲۳۷؛ شوری: ۴۰).
۱۰۳	به خوششان و بستگان رسیدگی می‌کنم (بقره: ۲۷؛ رعد: ۲۱؛ نحل: ۹۰).
۱۰۴	نزدیکی به خدا امید به زندگی را در من زنده می‌کند (ق: ۱۶).
۱۰۵	باور دارم که مؤمن واقعی فقط به خدا توکل می‌کند (یونس: ۸۴).
۱۰۶	معیارم برای ارزشمندی هر انسان فقط تقوا و پرهیزگاری است (حجرات: ۱۳۰).
۱۰۷	برای فریب دادن دیگران دروغ می‌گویم (اعراف: ۲۹).
۱۰۸	هنگام ورود به هر مکانی سلام می‌کنم (نور: ۶۱).
۱۰۹	عفو و بخشش را زمانی ارزشمند می‌دانم که قدرت انتقام گرفتن داریم (نساء: ۱۴۹).
۱۱۰	به پدر و مادرم احترام می‌گذارم (آل‌عمران: ۱۳۴؛ مانده: ۱۳؛ اسراء: ۲۳؛ احقاف: ۱۵).
۱۱۱	پیروی از خدا و پیامبر موجب امیدواری من به آینده‌ای روشن می‌شود (مجادله: ۲۱).

۱۱۲	خداوند در هر لحظه به من عنایت دارد همیشه در پناه او هستم (آل‌عمران: ۱۰۲).
۱۱۳	خودنگهداری از گناهان و پرهیزگاری به زندگیم برکت می‌بخشد (اعراف: ۹۶).
۱۱۴	حرفهایم با اعتقادات و اعمالم هماهنگ است (بقره: ۱۷۷).
۱۱۵	در برابر انسان‌های خودبین و متکبر، سخت‌گیر هستم (فتح: ۲۹).
۱۱۶	صبر و شکیبایی را لازمه عفو و گذشت می‌دانم (فصلت: ۳۵).
۱۱۷	وقتی به دیگران کمک می‌کنم خداوند گناهان و بدی‌هایم را می‌بخشد (هود: ۱۱۴).
۱۱۸	باور دارم بعد از هر سختی آسانی است (انشراح: ۵ و ۶).
۱۱۹	تنها به خدا توکل می‌کنم (یونس: ۷۱).
۱۲۰	تقوی و پرهیزگاری باعث سهولت و آسانی در کار می‌شود (طلاق: ۴).
۱۲۱	برای اعتقادات خویش برهان و دلیل کافی دارم (بقره: ۱۱۱).
۱۲۲	افراد متکبر را دوست ندارم (نحل: ۲۲).
۱۲۳	نیکی کردن به دیگران باعث آرامش روحی و آسودگی خاطر من می‌گردد (آل‌عمران: ۱۴۷ و ۱۴۸؛ لقمان: ۳ و ۵).
۱۲۴	عذرخواهی دیگران را حتی اگر دروغین باشد می‌بخشم (توبه: ۶۱).
۱۲۵	مانند اهل ایمان در همه امور زندگی به خدا توکل می‌کنم (شوری: ۳۶؛ توبه: ۵۱).
۱۲۶	کسی را مسخره نمی‌کنم (حجرات: ۱۱).
۱۲۷	به حکمت و فرزاندگی خدا در همه امور ایمان دارم (اعراف: ۳۵).
۱۲۸	به نظرم مؤمن همیشه راستگوست (احزاب: ۷۰).
۱۲۹	برای تقویت خصلت خضوع و فروتنی خویش قرآن تلاوت می‌کنم (انشقاق: ۲۱).
۱۳۰	با کمک به دیگران سعی می‌کنم رذایل اخلاقی مثل حرص و بخل را کنترل کنم (معرج: ۱۹ و ۲۶).
۱۳۱	به آنچه هستم و آنچه خواهم شد افتخار می‌کنم (نور: ۵۵).
۱۳۲	به خدای زنده ابدی توکل می‌کنم (فرقان: ۵۸).
۱۳۳	سعی می‌کنم امانت‌دار خوبی باشم (مؤمنون: ۸).
۱۳۴	چون منشأ همه امور را خدا می‌دانم همیشه احساس آرامش می‌کنم (آل‌عمران: ۱۲۵ و ۱۲۶).
۱۳۵	بین ظاهر و اعتقادات درونی من تفاوت وجود دارد (احزاب: ۲۴).
۱۳۶	با کمک به دیگران منزلت اجتماعی کسب می‌کنم (یوسف: ۵۶).
۱۳۷	بدون ملامت کردن دیگران آنها را می‌بخشم (حجر: ۸۵).
۱۳۸	فکر می‌کنم بیشتر مردم با من منصفانه رفتار می‌کنند (نور: ۱۲).
۱۳۹	غیبت نمی‌کنم (حجرات: ۱۲).
۱۴۰	از خودم رضایت دارم و احساس می‌کنم توانایی‌هایم به اندازه دیگران است (حجرات: ۱۲).
۱۴۱	باورم این است که مؤمن باید در هر کاری به خدای خود توکل کند (انفال: ۲؛ ملک: ۲۹؛ مانده: ۱۱؛ تغابن: ۱۳؛ عنکبوت: ۵۹).
۱۴۲	سعی می‌کنم کسی را یا رفتار یا گفتارم آزار ندهم (احزاب: ۶۷ و ۷۰).
۱۴۳	سعی می‌کنم در هر موقعیتی راست بگویم (مانده: ۱۱۹).
۱۴۴	به‌خاطر جلب محبت و دوستی خداوند به دیگران کمک می‌کنم (بقره: ۱۵۹؛ آل‌عمران: ۱۳۴).
۱۴۵	به نظرم افراط در بخشش نوعی نادانی است (اعراف: ۱۹۹).
۱۴۶	به خدا توکل می‌کنم چون زمام اختیار همه به دست اوست (هود: ۵۶).
۱۴۷	از هتک حرمت و آبروی دیگران پرهیز می‌کنم (حجر: ۸۸؛ هود: ۷۸).
۱۴۸	بعد از ارتکاب گناه توبه می‌کنم (انفال: ۲۹).
۱۴۹	به خدا توکل کرده و از او می‌خواهم مرا در کارهایم موفق کند (اعراف: ۸۹).
۱۵۰	خود را برتر از دیگران نمی‌بینم و نسبت به آنها تکبر نمی‌کنم (حجرات: ۱۳).